



محمد امین فرشادمهر

طنزپرداز

### نقشه جزیره گنج

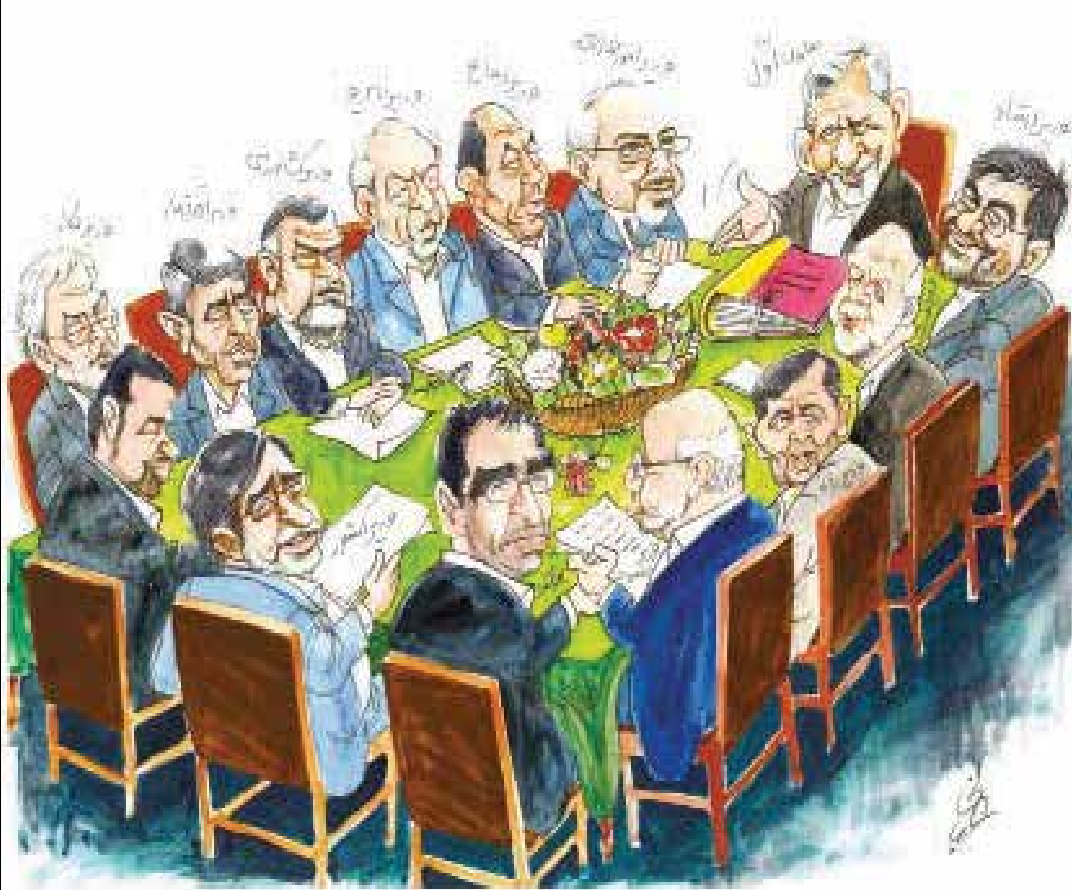
امروزه بیش از هر چیز دیگر، شاهد درخشش شهرداری‌ها در سطح کلان کشور هستیم؛ در حدی که برای نوشتن همین نیم خط، بیشتر از قلم و کاغذ، نیاز به عینک جوشکاری احساس می‌شود. یکی از همین درخشش‌های استنلی کوپریکی، اقدامی فرهنگی تحت عنوان ترسیم نقشه خودنمایی غیر فرهنگی است. از این رو جا دارد به شرط آنکه فشردن دست آن هم با حالتی از گرما جزو اقدامات غیر فرهنگی محسوب نشود و وسط نقشه با علامت هاشور و ستاره چهارپیر مشخص نشویم، دست این عزیزان را به گرمی بفشریم. نقشه خودنمایی غیر فرهنگی مذکور، ویژگی‌های بدیعی دارد. مثلاً لجن (Legend) که دو معنای راهنمای نقشه و افسانه از آن برداشت می‌شود، به دلیل اینکه تکلیف جنسیتش مشخص نیست، از نقشه حذف شده است؛ قطب‌نما به خودنما و تمامی مقیاس‌ها از عددی و خطی به عدد نجومی و خط خطی تغییر کرده است؛ محورهای طولی و عرضی این نقشه نیز همینجوری بی دلیل برای خودش ۳۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تاجدا شده. از علائم و نشانه‌های این نقشه هم می‌توان به علامت «آدمک بادی بیلدینگ» برای نمایش مناطق با فرهنگ و تحت نفوذ شهرداری، علامت «بیلورد آیا می‌دانید؟» برای نمایش مناطق کم فرهنگ و علامت «دستفروش لاغرمردنی» برای نمایش مناطق بد فرهنگ اشاره کرد. علاوه بر اینها، با خبر شدیم که جزیره خواران امریکایی این نقشه را مهندسی معکوس کرده و مشابه‌اش را تولید کرده‌اند که چند مورد از آنها را آورده‌ایم:

- نقشه پراکندگی خودنمایی غیر فرهنگی (نکرده‌اند حداقل اسمش را عوض کنند): از آنجاکه نقشه غیر فرهنگی افتخار آفرینانمان بشدت ترکانده، در امریکا هر کس برای خودش یک نقشه غیر فرهنگی دستش گرفته و بی فرهنگ‌ترین مناطق را برای تعطیلات آخر هفته با خودکار قرمز علامت می‌زند.

- نقشه پراکندگی موز: نقشه‌ای برای موقعیت‌هایی که شهروندان امریکایی در اراق سیاسی کشورشان کار خاصی از دستشان بر نمی‌آید و به برداشتن موز قناعت می‌کنند.

- نقشه پراکندگی قارچ: یکی از افسران ارشد سازمان سیا به نام کلنل ماریو و با اسم سازمانی ماری قارچ خور، پیشنهاد تهیه این نقشه را داده است. در این نقشه با پیدا کردن محل قارچ‌ها و گلدان‌ها در مسیر، شانس رفتن به مراحل بعدی و نفوذ به لایه‌های مختلف جامعه را افزایش می‌دهند.

- نقشه جزیره گنج: شنیده‌ها حاکی از آن است که بلافاصله پس از ترسیم نقشه خودنمایی غیر فرهنگی، نقشه جزیره گنجی در امریکا تهیه شده که ماجرای آن را می‌خوانیم: «لانگ جان سیلور» با استفاده از این نقشه و به دنبال صندوقچه گنج مدیریت شهری، راهی سرزمین پارس شده و با استقبال تعدادی از کسبه و اهالی محل مواجه می‌شود: - مارکو برایمان چه آورده‌ای؟ + لانگ جان سیلور هستیم. - همون. + شنیده‌ام از ریزش موهایتان در اثر خیرها و تکذیب‌های مکرر رنج می‌برید؛ شامپو ضد ریزش «صحت و سقم»، محصولی از آنور کره زمین. - عده‌ای قلچماق از میان جمعیت: داداش در قبالتش چیزی که نمی‌خواهی؟ + (در حالی که دستش را به سرش کشیده و مشت مشت موهایش می‌ریزد) چیزی که نه. فقط آگه نقشه مدیریت شهری کم‌کار کرد که خودتونم نخواهید تو دست و بالتون هست، من بیرم واسه شگونش. به این ترتیب عزیزان سدمعبر، لانگ جان را جهت ارائه پاره‌ای از توضیحات به دفتر شهرداری برده و پس از ترسیم نقشه سه بعدی از وی، برای عبرت آموزی به سرزمین‌های مختلف فکس می‌نمایند!

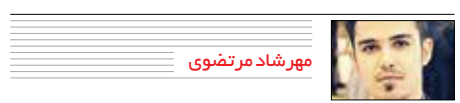


طرح: احمدعباسی

فیلترینگ تلگرام را پیش بکشند که وزیر گفت «نه». بعد گفتند «اینستاگرام؟» وزیر سر به مخالفت تکان داد. بیکو آقای حداد عادل باشد و گفت «حداقل توئیتر رورفع فیلتر کنین.» وزیر گفت «اتفاقاً بذار فیلتر باشه به مقدار پول فیلتر شکن بدی حالت جا بیاد.» در نهایت بقیه توانستند وزیر را راضی کنند که شبکه اجتماعی «گرامتوفون» را که مانعی دانیم چی هست فیلتر کند و این را به عنوان دستاورد جلسه با خودشان آوردند و خیلی هم راضی بودند.

۳) وزارت امور خارجه که واقعا نمی‌داند از خارجی بخورد یا از داخلی! شاعر در زمینه وزارت خارجه می‌فرماید «من از بیگانگان هرگز نالدم... که با ما هر چه کرد تپترهای کیهان و وطن امروز کرد». یعنی ظریف به سمت راست برمی‌گردد، حرف‌های ترامپ را می‌بیند و حالش منقلب می‌شود. به سمت چپ برمی‌گردد، حرف‌های دلواپسان را می‌بیند که هنوز به مسأله «افتی تی افتی ای اف» اعتراض دارند. سرش را پایین می‌آورد، کیوسک روزنامه فروشی جلوی پایش سبز می‌شود و تپترهای بعضی از روزنامه‌ها را می‌بیند و خون دماغ می‌شود. سرش را بالا هم که می‌گیرد یک توپولف رد می‌شود و دلواپسی که سرش را بیرون آورده بای بای می‌کند و داد می‌زند «خیلی هم عالی، هیجاننش از هواپیماهای شما بیشتره» و با همان شتاب سقوط می‌کند.

پس از رای گیری و شمارش الکترونیکی آرا (معلوم است خیلی ذوق داریم؟) و با وجود شایستگی هر سه نامزد گرامی، جایزه برکارترین فرد سال ۹۵ می‌رسد به «مرگ»! چون واقعا تمام تلاشش را کرد و خصوصاً در این دوسه ماه آخر، ماهفته‌ای ۱۶ روز عزای عمومی داشتیم. یعنی حادثه قطار تمام نشده سیل می‌آمد، سیل تمام نشده شخصیت‌ها فوت می‌کردند، به هفتم نرسیده آتش سوزی می‌شد، دوباره سه روز بعدش سیل می‌آمد و این چرخه تا جایی ادامه داشت که ما ۱۰ روز آخر سال را پناه گرفتیم که یک وقت موشکی، نانکی، سیاره ناشناسی چیزی روی سرمان نریزد و بتوانیم سال را زنده به پایان برسانیم. امیدواریم سال ۹۶ سالی عاری از انقراض و نابودی برای همه شما عزیزان باشد.



مهرشاد مرتضوی

### «اسکار» فعال‌ترین فرد سال می‌رسد به...

در سالی که گذشت، وزارتخانه‌های مختلف خیلی زحمت کشیدند و هر کدام به نوبه خودشان سعی کردند وضعیت کشور را بهتر کنند. البته منکر نمی‌شویم که رکود هست، ولی چه کارش می‌شود کرد؟ رکود الان به جزئی از خانواده ما تبدیل شده و برای خودش در حال پذیرایی می‌چرخد. (پس کله رکود می‌زند و می‌گوید «اون مال مهمونه، دست نزن») اما برای اینکه همه وزارتخانه‌ها انگیزه بگیرند که بهتر کار کنند، رای گیری الکترونیکی برای انتخاب بهترین وزارتخانه سال برگزار می‌کنیم که گزینه‌های آن به شرح زیر هستند:

۱) وزارت راه به خاطر بیشترین میزان رفت و آمد وزیر به مجلس. یعنی این قدری که وزیر به نمایندگان سر می‌زند، به خانواده همسرش سر نمی‌زند.

هی هر روز هر روز دعوت می‌کنند که «آقا تو رو خدا این هفته هم تشریف بیارین، دولقمه نون و استیضاحه دور هم می‌زنیم به بدن دیگه». وزیر هم شنبه صبح که از خواب پامی‌شود، صبحانه خورده و نخورده، نامه‌ها را امضا کرده و نکرده و البته با دست و روی نشسته، می‌برد پشت ماشین و می‌رود بهارستان. سؤال‌ها هم با مضمون «چرا ریل راه آهن سرد بود؟»، «این هواپیما خارجی که آوردین کاتالوگ فارسی نداره» و «این چه وضع جاده چالوسه؟ شما وزیر شدین که زمستون بهمین بیاد؟» پرسیده می‌شود و وزیر از پاسخ می‌ماند و به دوربین خیره نگاه می‌کند.

۲) وزارت ارتباطات به خاطر اینکه وزیر مثل این دعوای خیاپانی که آدم بین چند نفر گیر می‌کند، بین تعداد زیادی گیر کرده و همه می‌خواهند ۹۹ درصد شبکه‌های مجازی را فیلتر کنند، ولی او دارد مقاومت می‌کند. در آخرین جلسه شورای فضای مجازی، مخالفان وزیر ابتدا سعی کردند بحث